



بیانات در دیدار کارگران - 19 / اردیبهشت / 1401

بسم الله الرحمن الرحيم (۱)

و الحمد لله رب العالمين و الصلاة و السلام على سيدنا محمد و آله الطاهرين سيما بقيّة الله في الارضين.

خیلی خوش آمدید. خیلی خوشوقتم از اینکه بحمدالله ظاهراً بعد از دو سال یا سه سال باز توفیق پیدا شد شماها را، نمایندگان جامعه‌ی کارگری را از نزدیک زیارت کنیم و با آنها صحبت کنیم.

هدف از این دیدار همه‌ساله‌ی ما با کارگران، قدرشناسی از کارگران، تشکر از کارگران، و ارزش دانستن برای نقس کار است که این دوّمی شاید از اوّلی هم مهم‌تر است. در کشور ما ارزش کار آن‌چنان که باید و شاید برای عموم مردم روشن نیست. کار در اسلام یک ارزش است؛ حالا عرض میکنم که در اسلام نگاه به کارگر هم همین جور است و با همه جا فرق دارد. طبق آماري که به من دادند، در جامعه‌ی ما کسانی که جویای کارند، از بسیاری از کشورهای جهان کمتر است؛ چرا؟ آن کسی که کار میطلبد و کار نیست، فرصت کاری نیست، یک عذری دارد اما [درباره‌ی] آن کسی که اصلاً دنبال کار نیست، اسلام با این گرایش مبارزه میکند. اسلام اصرار دارد بر اینکه انسان باید سعی کند، کار کند، تلاش کند؛ این سعی و کار علاوه بر اینکه زندگی جامعه را تأمین میکند - خوب اگر کار نباشد، زندگی جامعه تأمین نخواهد شد - برای خود کارگر هم یک سرمایه است؛ برای خاطر اینکه به او احساس هویت میدهد. آدمی که دنبال کار نیست و کار نمیکند، احساس هویت نمیکند، احساس بی‌هویتی میکند. لذا ما میخواهیم، هم از کارگران عزیزمان تشکر کنیم و به تبع نبی مکرم اسلام دست شماها را بیوسیم، هم میخواهیم ارزش کار در جامعه معلوم بشود که کار یک ارزش است در اسلام. این باید تکرار بشود، باید گفته بشود، باید فرهنگ‌سازی بشود در کشور تا ما بتوانیم بگوییم رقم کسانی که اشتغال به کار دارند و کسانی که جویای کار هستند نسبت به جمعیت، مثلاً این تعداد بالا است، یک نسبت بالایی دارند و این را بتوانیم ببینیم در آینده؛ این باید جزو برنامه‌های مسئولان مرتبط با کار از جمله وزارت کار باشد. حالا این بیاناتی که آقای وزیر [بیان] کردند، بیانات بسیار خوبی بود، گزارش خوبی ایشان دادند، و تصمیم‌هایی که گرفتید، ان شاءالله دنبال کنید تا این تصمیم‌ها تحقق پیدا کند. مخصوصاً حالا من یادداشت هم کرده‌ام، خواهی گفت مسئله‌ی مهارت‌افزایی را که این بسیار بسیار مهم است؛ ایجاد مراکز مهارت‌افزایی برای کارگری یکی از مسائل حیاتی ماجرایی کار و کارگر در کشور است.

خب، نگاه اسلام به کارگر نگاه قدرشناسانه است؛ هم با نگاه نظام سرمایه‌داری فرق دارد، هم با نگاه نظامهای کمونیستی متلاشی‌شده تفاوت دارد. نگاه نظامهای سرمایه‌داری به کارگر، نگاه بهره‌گیرانه و استثمارگرانه است؛ کارگر یک ابزاری است برای اینکه آنها بتوانند به ثروت برسند؛ از نظر نظام سرمایه‌داری این است؛ مخفی هم نمیکند؛ [اگر] در کتابهای اقتصادی شما نگاه کنید، به همین نتیجه میرسید. کارگر از نظر نظام سرمایه‌داری یک ابزار و یک وسیله است، باید این [ابزار] را به دست آورد و از او استفاده کرد برای اینکه صاحب سرمایه به ثروت برسد؛ نگاه این است. اگر هم یک وقتی امتیازی به کارگر میدهند، برای این است که این کارگر به این سرمایه‌افزایی ادامه بدهد و منصرف نشود یا عصبانی نشود و امثال اینها؛ این نگاه نظام سرمایه‌داری است.

نگاه نظامهای کمونیستی نگاه شعاری بود؛ اسمش این بود که نظام، نظام کارگری است؛ مثلاً فرض کنید - حالا شماها نمیدانم با کتابهای تاریخ ارتباط دارید، آشنایی دارید یا نه - روسیه‌ی زمان استالین یا خروشچف -



همین‌هایی که در دوره‌ی زندگی ما بودند و ما از نزدیک شاهد اوضاع و احوالشان بودیم در دوره‌ی جوانی و دوره‌ی مطالعات و فعالیت‌ها – اینها اسمشان نظام کارگری بود اما رؤسا مثل سلاطین باستانی زندگی میکردند؛ اثری از حمایت از کارگر وجود نداشت؛ فشار روی کل جامعه، فشار روی طبقه‌ی کارگر [بود]، در کتابهای خودشان هم اگر نگاه کنید، همین را میتوانید ببینید. در همین کتابهایی که نوشتند، چه کتابهای شرح حالی، چه کتابهای هنری و رمان و امثال اینها، کاملاً این معنا منعکس است؛ دفاع از کارگر و نگاه به کارگر، نگاه شعاری بود؛ شعار میدادند که نظام، نظام کارگری است.

در اسلام، نه آن است، نه این؛ نگاه قدرشناسانه است، نگاه ارزش‌مدارانه است؛ برای کار و کارگر ارزش قائل است. همین ماجرای دستبوسی پیغمبر که ایشان نقل کرد، [اشاره به] این است دیگر؛ یعنی پیغمبر اکرم وقتی میبیند این دست، دست کارگری است، خم میشود میبوسد. (۲)

در یک روایتی دارد که یک جوانی از جلوی پیغمبر عبور کرد، جوان برانده‌ای بود، پیغمبر از این جوان خوششان آمد، ظاهراً صدایش کردند و دو سؤال از او کردند: یکی اینکه گفتند ازدواج کرده‌ای؟ گفت نه، گفتند کار تو چیست؟ گفت بیکارم؛ پیغمبر فرمودند: سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ این جوان از چشم افتاد. (۳) مسئله‌ی کار این است؛ سَقَطَ مِنْ عَيْنِي؛ [درباره‌ی] این جوانی که حالا پیغمبر از رفتارش و مثلاً از حرکاتش و امثال اینها خوشش آمده بود، پیغمبر گفت از چشم افتاد، به خاطر اینکه دنبال کار نیست. اسلام به کار این جور نگاه میکند؛ به کار، به عنوان یک ارزش انسانی نگاه میکند و برای آن ارزش قائل است. خب این حالا راجع به اصل نگاه ما به کار و کارگر و این جلسه و دیدار با شما عزیزان.

اما راجع به کارگران، خب ما خیلی صحبت کرده‌ایم. بنده این سالهای متمادی بارها راجع به کارگران و امتیازات کارگران [صحبت کرده‌ام]؛ لکن یکی دو نکته در مورد کارگران را خوب است باز هم تکرار کنیم و این مهم است. کارگران ما، [یعنی] کارگران دوران انقلاب – قبل از انقلاب جور دیگری بود – تا کنون نشان داده‌اند که انگیزه‌های ملّی آنها در همه‌ی عرصه‌ها انگیزه‌های درخشان و برجسته‌ای است. «در همه‌ی عرصه‌ها» یعنی چه؟ یعنی هم در عرصه‌ی نظامی، هم در عرصه‌ی اقتصادی، هم در عرصه‌ی سیاسی.

در عرصه‌ی نظامی، صحنه‌ی نمایان و جلوی چشم، دوران دفاع مقدّس است. چهارده هزار کارگر شهید ما داریم؛ چهارده هزار! حالا اینکه از هر چند نفری که رفتند یکی شهید شده، من نمیدانم؛ حتماً ده برابر این، کارگرها رفتند. منتها رفتن کارگر با رفتن فلان جوان بسیجی فرق میکند؛ این کارگر غالباً زن دارد، بچه دارد – شاید بیش از یک بچه – پدر و مادر دارد؛ اینکه دل بکند و برود به سمت دفاع مقدّس و جانش را کف دست بگیرد، خیلی متفاوت است با اینکه یک جوانی که حالا تعلقات زن و بچه و این چیزها را ندارد برود به میدان جنگ. در میدان نظامی این جور است. امروز هم اگر چنانچه یک مسئله‌ی نظامی پیش بیاید، قطعاً جامعه‌ی کارگری جزو صفوف مقدّم قرار میگیرد.

اما در مورد عرصه‌ی اقتصادی. البته از اوّل انقلاب این سیاست استکبار بود، و در این ده پانزده سال اخیر خیلی روشن [شد]؛ سیاستشان از کار انداختن تولید کشور بود؛ سیاست دشمن این بود. این تحریمها و این حرفها همه برای این بود که در کشور، تولید از کار بیفتد؛ تولید که از کار افتاد، کشور تهیدست و محتاج میشود، چشمش به دست این و آن است. هدف مهم و نهایی فشار اقتصادی، از کار انداختن تولید بود؛ کارگران ما در صف مقدّم



ایستادند و نگذاشتند این اتفاق بیفتد. اگر شما می‌بینید تولید کشور در یک مواردی در برخی از سالها حتی بیشتر هم بوده، به معنای این است که کارگران ما در میدان اقتصادی، در صفوف مقدّم، ایستادند. بنده البته حقّ کارآفرینان را هم در نظر دارم؛ این جور نیست که آنها را ذی‌حق ندانیم - حالا بعد هم عرض خواهم کرد - لکن آن که در این زمینه ستون اصلی این خیمه بود کارگر بود. این هم یک نکته؛ میدان اقتصادی.

اما میدان سیاسی. از روزهای اوّل انقلاب، تحریکات کارگری شروع شد. خود من در جریان نزدیک بودم؛ یک کارخانه‌ای مرکز اجتماع اینها شده بود همان روزهای مشرف به پیروزی انقلاب - یعنی روزهای هجدهم بهمن، نوزدهم بهمن، بیستم و بیست و یکم بهمن - تصادفاً آمدند دنبال ما، حالا من هم مشغول کار بودم، کارهای فراوانی داشتیم آن روزها، اما رفتم دیگر؛ رفتم و چند روز در آن کارخانه ماندم؛ یعنی شبها می‌آمدم، باز فردا صبح میرفتم. از نزدیک دیدم که چه کار دارند میکنند؛ سخنرانی‌ها، تحریکات. آمدند راه‌پیمایی [راه] انداختند روز سوّم یا چهارم پیروزی انقلاب - بیست و پنجم یا بیست و ششم - به طرف بیت امام! تحریکات کارگری از آن روز شروع شد، تا امروز هم وجود دارد؛ تا امروز هم تحریکات کارگری وجود دارد.

قصدها این بوده است که طبقه‌ی کارگر و جامعه‌ی کارگری را تابلو و نشانه‌ی اعتراضات مردمی قرار بدهند؛ [اما] جامعه‌ی کارگری بینی اینها را به خاک مالید و در مقابل اینها ایستاد و نگذاشت این اتفاق بیفتد و در کنار انقلاب و نظام ایستاد.

البته یک مواردی اتفاق افتاده که کارگران اعتراض داشتند، اعتراضشان هم بحق بوده؛ بنده که دنبال میکنم مسائل را، [میدانم] در مواردی اعتراض کارگرانی که جمع شدند، اعتراض بحقی بوده. فرض کنید کارخانه‌ای را دولت به یک نفری واگذار میکند، او به جای اینکه کارخانه را مدیریت کند، ابزارهایش را میفروشد، کارگرها را بیرون میکند، زمینش را مثلاً میخواد هتل بسازد؛ خب اینجا کارگرها می‌آیند بیرون و اعتراض میکنند. در این اعتراضها هم کارگرها همیشه مرز خودشان را با دشمن مشخص کردند؛ یعنی نگذاشتند که دشمن از اعتراض بحق آنها استفاده کند؛ اینها مهم است؛ اینها خیلی مهم است. چه جور میشود انسان تشکر کند از این مجموعه‌ی آگاه، با بصیرت، متعهد؟

خب اینها بخشی از مناقب جامعه‌ی کارگری ما است که ما البته مکرّر گفته‌ایم، باز هم لازم بود تکرار کنیم، هم خود شما کارگرهای عزیز بدانید، هم عموم مردم بدانند که چه خبر است در جامعه‌ی ما. جامعه‌ی کارگری مشکلاتی دارد - حالا اشاره میکنم، که ان شاء الله با سیاستهای این دولت جدید، این مشکلات بتدریج برطرف بشود به حول و قوه‌ی الهی، لکن بالاخره مشکلاتی دارند - با وجود این مشکلات، کنار اسلام، کنار انقلاب، کنار نظام ایستادند؛ هم در عرصه‌ی نظامی، هم در عرصه‌ی اقتصادی، هم در عرصه‌ی سیاسی.

خب، در مسئله‌ی کارگری سه نقطه‌ی اساسی هست که برنامه‌ریزی‌ها باید متوجّه به این سه نقطه‌ی اساسی باشد: یک نقطه، مسئله‌ی زمینه‌سازی برای ایجاد فرصت شغلی در کشور است. ما الان احتیاج داریم به افزایش فرصتهای شغلی؛ امکانش هم در کشور وجود دارد، یعنی همه‌ی صاحب‌نظران و کسانی که با مسائل کشور آشنا کنید، تصدیق میکنند که در کشور امکان افزایش فرصتهای شغلی به طوری که نسبت بیکاری بسیار کمتر از آنچه امروز هست باشد، وجود دارد. این یک بخش مهم است: زمینه‌سازی برای ایجاد فرصت شغلی یا کلاً وارد شدن و ایجاد فرصت شغلی.



دوم، تنظیم رابطه‌ی کار و سرمایه؛ که یک رابطه‌ی معقول و درستی بایستی وجود داشته باشد که حالا راجع به هر کدام دو سه جمله‌ای عرض خواهم کرد.

مسئله‌ی سوم، مسئله‌ی امنیت شغلی است که من روی این امنیت شغلی چند بار در همین جلسه در حسینیه به مناسبت دیدار کارگران تکیه کرده‌ام؛ امروز هم باز می‌خواهم دو سه نکته را در این زمینه متذکر بشوم.

در مورد فرصت‌های شغلی مسئولین می‌توانند تلاش کنند و فرصت‌های شغلی را افزایش بدهند؛ یک مقداری سرمایه‌گذاری لازم است، یک مقداری ورود بخش خصوصی لازم است، عمده مدیریت دولتی لازم است، یعنی دولت به معنای یک مدیر کارآمد وارد میدان بشود و همه‌ی موارد را در نظر داشته باشد.

لازمه‌ی آن هم این است که یک اشراف آماری کامل به دست بیاورند؛ یعنی بدانند ظرفیت‌ها کجا است و چه مواردی، چه مختصاتی برای اشتغال در این ظرفیت‌ها وجود دارد و به چه و که و چه مقدار نیاز است؛ از آن طرف هم جویندگان کار را شناسایی کنند و اینها را به هم وصل کنند و زنده کنند فرصت‌های شغلی را.

یکی از موارد و یکی از چیزهایی که می‌تواند این فرصت‌های شغلی را زنده کند، [توسعه‌ی] همین شرکت‌های دانش‌بنیان است که ما امسال گفتیم. [۴] خصوصیت شرکت‌های دانش‌بنیان این است که بیکاری دانش‌آموختگان را از بین می‌برد. ما امروز در آمارهای بیکاری که نگاه می‌کنیم، درصد بیکاری دانش‌آموختگان دانشگاه‌های کشور از همه‌ی قشرهای دیگر بیشتر است. خب این جوان زحمت کشیده، درس خوانده، دولت [هم] سرمایه‌گذاری کرده، پول داده، خرج کرده تا به اینجا رسیده، حالا بیرون بیاید بیکار! گاهی در این گزارش‌های مردمی که برای من می‌آید، می‌بینم که مثلاً رفتند به یک مناسبتی، یک خانواده‌ای را سرکشی کردند - به مناسبت [تولد یک] نوزاد یا به مناسبت‌های گوناگون - پدر، دانش‌آموخته‌ی فوق‌لیسانس فلان رشته است، چه کار میکند؟ مسافرکشی میکند؛ این بیکاری است دیگر. این در فلان رشته درس خوانده، باید بتواند از آن استفاده کند. شرکت‌های دانش‌بنیان جواب این خلأ را می‌دهند که حالا بعضی خدشه می‌کنند که «شما می‌گویید شرکت دانش‌بنیان، وقتی دانش‌بنیان شد، اتکاء به نیروی انسانی‌اش کم میشود»؛ نه، می‌توان یک شکلی، یک رابطه‌ای درست کرد که اشتغال را افزایش بدهد. لذا من باز هم تکرار می‌کنم، قبلاً هم گفته‌ام، باز هم عرض می‌کنم باید شرکت‌های دانش‌بنیان توسعه پیدا کنند؛ البته دانش‌بنیان به معنای واقعی کلمه.

در مورد تنظیم رابطه‌ی درآمدی بین کارگر و کارفرما، یا کارگر و کارآفرین، یا بین کار و سرمایه - هر تعبیری که شما بکنید - خب اولاً باید دانست که کارگر و کارآفرین دو بال پروازند؛ یعنی اگر کارگر باشد، کارآفرین نباشد کار پیش نمی‌رود؛ [اگر] کارآفرین باشد، کارگر نباشد کار پیش نمی‌رود؛ اینها هر دو نیاز قطعی هستند، بایستی به اینها [توجه کرد]. یک طرف کار است و مهارت کارگر، یک طرف سرمایه است و مدیریت است و دانش است و فتاوری و مانند اینها؛ هر کدام از اینها ارزش ایجاد می‌کنند؛ [یعنی] یک ارزش افزوده‌ای با این مجموعه در این ماده‌ی اولیه به وجود می‌آید؛ [باید دید] سهم هر کدام چقدر است؛ باید نگاه کنند سهم عادلانه مشخص بشود. این احتیاج دارد به کار کردن، فکر کردن، تدبیر کردن.

ما در سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، یک بخش را [۵] به همین اختصاص دادیم؛ یک بند، یک ماده‌ی اساسی مربوط



به همین است. خب، کارگر باید بتواند از یک زندگی شرافتمندانه برخوردار باشد. امروز کارگرهای ما مشکلات اقتصادی متعددی دارند؛ البته بخش مهمی از این مشکلات ناشی از مشکلات کلی اقتصاد کشور است، یعنی ما در زمینه‌های اقتصادی مشکلاتی داریم که اینها متراکم شده، مثلاً در طول سالهایی روی هم آمده‌متراکم شده، حل نشده؛ مشکلات برای همه هست، برای کارگرها هم [هست]، بخشی‌اش مربوط به این است، بخشی هم مربوط میشود به مسائل قوانین کار و کارگری و سیاستها و برنامه‌ریزی‌هایی که بایستی ان‌شاءالله دنبال بشود.

فکر و تدبیر لازم است، همّت و مجاهدت لازم است، صبر و شکیبایی و نرفتن به سمت کارهای نسنجیده هم لازم است؛ مجموعه‌ی اینها را باید انجام داد تا این تقسیم عادلانه و سهم عادلانه‌ای که عرض کردم به وجود بیاید و بشود این کار را انجام داد.

خب حالا وزیر محترم گفتند که اساس برنامه‌ریزی‌هایشان عدالت است؛ خوب است، خیلی خوب است؛ همین را مبنا قرار بدهید؛ با نگاه عادلانه به مسائل نگاه بشود و هر بخشی واقعاً سهم عادلانه‌ی خودش را ببرد. هم مسئولان بایستی در این زمینه‌ها فعال بشوند، هم فعالان عرصه‌های تبلیغاتی برای فرهنگ‌سازی و امثال اینها باید فعال بشوند، خود کارگران هم که خب همین جور. این هم راجع به این مسئله.

در مورد امنیت شغلی. خب، بحث امنیت شغلی که میشود، بیشترین مطلبی که غالباً مطرح میشود به عنوان ناامنی شغلی، همین قراردادهای موقت و مانند این حرفها است؛ قراردادهایی که بین کارگر و کارفرما بسته میشود و مایه‌ی این است که امنیت پایدار شغلی وجود نداشته باشد؛ این [مطلب] گفته میشود و درست هم هست. یکی از مسائلی که باید اصلاح بشود و درست بشود و یک قانون عادلانه‌ای اینجا به وجود بیاید [همین است]. قانون عادلانه یعنی اینکه هم کارگر خیالش آسوده باشد، هم کارفرما و کارآفرین بتواند انضباط را در محیط کار تأمین کند؛ یعنی این جور هم نباشد که جوری رفتار بشود که بکلی بی‌انضباطی حاکم بشود؛ نه، باید هر دو طرف بتوانند بهره ببرند. لکن من میخواهم این را عرض بکنم که ناامنی شغلی فقط ناشی از این مسئله‌ی قراردادهای موقت نیست؛ عوامل دیگری هم وجود دارد که حالا من نمیخواهم بشمرم؛ من [فقط] روی یک عامل بخصوص میخواهم تکیه کنم و آن این است که «تولید ملی» وقتی که ضربه بخورد، کار و اشتغال کارگر هم ضربه خواهد خورد؛ این حتمی است. تولید ملی؛ اینکه ما این همه روی تولید ملی، تولید داخلی، محصول داخلی تکیه میکنیم، برای این است.

[مثلاً درباره‌ی] واردات و واردات بی‌رویه؛ ببینید ما الان ده‌ها میلیارد واردات داریم؛ خیلی از این واردات هم لازم است، یعنی یا موادّ اولیه است یا وسایل، کارخانجات، ابزارهای یدکی و امثال اینها است؛ هیچ ایرادی به اینها نیست، با مطلق واردات کسی مخالف نیست؛ ما با واردات بی‌رویه مخالفیم، و نیز با قاچاق؛ حالا قاچاق یک بحث دیگر و مستقّلی است. واردات بی‌رویه یعنی چه؟ یعنی اینکه جنسی که در داخل تولید میشود، کیفیتش هم خوب است، مشابه این جنس را ما وارد کنیم؛ این خنجری است به قلب تولید کشور؛ حرف ما این است. اینکه بنده اصرار میکنم برای جلوگیری از واردات بی‌رویه، [به خاطر] این است.

ببینید؛ [طبق] آماری که به من دادند، میگویند هر یک میلیارد دلار واردات بی‌رویه معادل است با تعطیل شدن صد هزار فرصت شغلی؛ این آماری است که افراد صاحب‌نظر و متخصص به ما دادند. یعنی اگر چنانچه ما جنسی را که در داخل تولید میشود، خب در داخل کفش هست، پوشاک هست، لوازم خانگی هست و چیزهای دیگر – حالا اینجا



خودروسازها از این حرف ما سوء استفاده نکنند؛ وضعشان خیلی تعریفی ندارد - آنچه‌هایی که واقعاً دارند تولید میکنند، تولید خوب هم میکنند، ما وقتی که با وجود تولید داخلی به جای اینکه آن را تقویت کنیم، آن را ترویج کنیم، میرویم از بیرون جنس مشابه را وارد میکنیم، باید بدانیم که یک میلیارد دلار واردات این جوری به معنای تعطیل شدن صد هزار فرصت شغلی این جوری است.

شما وقتی میروید خرید و جنس خارجی را ترجیح میدهید بر جنس داخلی، معنایش این است که دارید به نفع یک کارگر خارجی ضربه به یک کارگر داخلی میزنید. لذاست که من اصرار میکنم و تأکید میکنم بر اینکه ما بایستی از واردات بی‌رویه قطعاً جلوگیری کنیم؛ این مربوط به مسئولین است و آنچه هم مربوط به مردم است، این است که بروند دنبال جنس تولید داخل، محصول داخل؛ یعنی مقید باشند.

و همین جا من بگویم که سهم مهم بازار داخلی متعلق به دولت است؛ یعنی دولت بزرگ‌ترین خریدار داخلی است؛ بزرگ‌ترین خریدار، بزرگ‌ترین مشتری جنس، دولت است؛ دولت بایستی سعی کند هیچ جنس خارجی مصرف نکند؛ خود این یک قلم بسیار مهم برای تقویت تولید داخلی است. بنده مکرراً بر خرید مصنوعات داخلی تکیه کرده‌ام؛ هر دفعه‌ای که ما روی این مسئله تکیه کردیم، یک عده‌ای به خط می‌شوند برای اینکه با استدلال‌های گوناگون این را رد کنند! حالا چه از خارج به وسیله‌ی بوقهای استعماری خارجی و چه متأسفانه بعضی‌ها در داخل؛ تا ما میگوییم «خرید داخلی»، فوراً شروع میکنند به یک شکلی خدشه کردن و ایراد گرفتن. این هم راجع به این مسئله.

خب، یک مسئله‌ی مهم، در مورد وظایف کارگران است. ببینید، کارگران ما هم در این زمینه‌ها وظایف سنگینی دارند. یکی از وظایف مهم کارگران «اتقان کار» است. بنده این حدیث را مکرراً عرض کرده‌ام - ظاهراً از پیغمبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) است یا یکی از ائمه (علیهم السلام) - که فرمودند: رَحِمَ اللهُ امْرَأً عَمِلَ عَمَلًا فَاتَّقَتْهُ؛ (۶) رحمت خدا بر آن کسی که کاری را انجام بدهد، آن کار را متقن انجام بدهد، محکم انجام بدهد. یکی از کارهای کارگر این است: اتقان کار. یکی تأمین «زیبایی کار» است؛ کار را زیبا از آب دریاورند؛ این خیلی مهم است. یک مسئله‌ی مهم در کشور ما مسئله‌ی «بسته‌بندی‌ها» است که بنده از سابق، مکرراً روی این تکیه میکنم. یک وقتی در زمان ریاست جمهوری که بنده رئیس‌جمهور بودم، از یک کشوری - اسم نمی‌آورم - برای ما هدیه فرستادند؛ چه چیزی؟ خرما؛ خرما فرستادند برای ما به عنوان هدیه. بنده برداشتم همان بسته‌بندی خرما را بردم در هیئت دولت، گذاشتم آنجا، گفتم ببینید، این مصداق کامل «زیره به کرمان بردن» است! بهترین خرما دنیا و بیشترین خرمای دنیا را ما داریم، این حالا برای ما خرما فرستاده؛ اما بسته‌بندی‌اش را نگاه کنید. ما خرمایمان را داخل جعبه‌های نامناسب فشار میدهیم و بسته‌بندی میکنیم، [ولی] او برداشته خرما را با همان شاخه‌ای که خرما به آن وصل است، داخل پلاستیک کرده و با بسته‌بندی خیلی قشنگی برای ما فرستاده؛ گفتم یاد بگیرید. اینها وظایف کارگر است؛ البته وظایف مشترک کارگر و مدیران کاری؛ وظایف اینها است که بایستی این را انجام بدهند. این هم این [مطلب].

مطلب آخری که میخواهم عرض کنم، راجع به نظام آموزشی ما است. نظام آموزشی ما با همه‌ی تأکیدهایی که شده، همچنان بیشتر یک نظام ذهنی است تا یک نظام عملی و کاربردی؛ غالباً این جور است. حالا البته کارگاه‌های آموزشی در بعضی از بخشها هست، [ولی] همه جا نیست و همیشه هم نیست. البته تربیت ذهنی دانشجویان کار لازمی است، باید دانش بیاموزند اما این کافی نیست؛ در کنار کار ذهنی، کار عملی باید تعلیم بگیرند. این همکاری دانشگاه و صنعت - که این را هم ما سالها پیش به یکی از رؤسای جمهور گفتیم و بالاخره این معاونت علمی



رئیس‌جمهور راه افتاد؛ (۷) که کار عمده‌اش همین است که ارتباط بدهد دانشگاه را به صنعت؛ یعنی دانشجو از دوران دانشجویی با صنعت ارتباط پیدا کند - هم برای صنعت خوب است و دانش جدید سرریز میشود، ابتکارات سرریز میشود، هم برای دانشگاه خوب است برای خاطر اینکه اعتبارات به سمت دانشگاه می‌آید، پول و درآمد دارد برای یک دانشگاه؛ این کار باید انجام بگیرد. علاوه بر این، همین موارد مهارت‌آموزی و مهارت‌افزایی که ذکر کردند، کار بسیار خوبی است، کار لازمی است، باید دنبال بشود؛ مهارت کارگران باید بالا برود؛ کارگر باید بتواند عمل خودش را ماهرانه همراه با ابتکار و نوآوری و اعمال سلیقه‌های خوب انجام بدهد و کیفیت را بالا ببرد. وقتی کیفیت بالا رفت، طبعاً ارزش کار هم در چشم مشتری و کسانی که علاقه‌مند هستند و نیاز دارند، بالا خواهد رفت.

ما از مجموعه‌ی کارگری صمیمانه و از صمیم قلب تشکر میکنیم، زحمات اینها را ارج مینهیم و برای آنها از خدای متعال توفیق می‌خواهیم و امیدواریم که ایستادگی آنها در مقابل انواع و اقسام تحریکات دشمنان - همچنان که بوده - ان‌شاءالله ادامه پیدا کند؛ و هم در عرصه‌ی اقتصادی، هم در عرصه‌ی سیاسی و عرصه‌های آموزشی ان‌شاءالله روزبه‌روز دستگاه‌های کارگری جلوتر بروند؛ و مدیران و مسئولان کشوری هم ان‌شاءالله همان طور که وعده داده شده، به کار و برنامه‌ای که مقرر شده، همه عمل کنند و همه هم به دولت کمک کنند. امروز کارهایی که دولت در زمینه‌ی اقتصاد در پیش دارد، کارهای مهمی است و احتیاج به کمک همه دارد؛ یعنی همه‌ی دستگاه‌ها، قوای مختلف، آحاد مردم، مجموعه‌ها، همه ان‌شاءالله باید به دولت کمک کنند که بتواند به این نتایج دست پیدا کند.

والسلام علیکم ورحمة الله و برکاته

- ۱) در ابتدای این دیدار، آقای دکتر حجّت‌الله عبدالملکی (وزیرتعاون، کار و رفاه اجتماعی) گزارشی ارائه کرد.
- ۲) اسدالغابة، ج ۲، ص ۱۸۵
- ۳) جامع الاخبار، ص ۱۳۹
- ۴) بیانات به مناسبت حلول سال نو (۱۴۰۰/۱۲/۲۹)
- ۵) بند پنجم سیاستهای کلی اقتصاد مقاومتی (۱۳۹۲/۱۱/۲۹)
- ۶) مسائل علی‌بن جعفر و مستدرکاتها، ص ۹۳ (با اندکی تفاوت)
- ۷) معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری در سال ۱۳۸۵ آغاز به کار کرد.